

پیش‌بینی رضایت از زندگی براساس الگوی ارتباطی خانواده با نقش میانجی‌گری انگیزش مذهبی

The prediction of life satisfaction based on family communication pattern mediated by religion motivation

GH. Moltafet, Ph.D.

B.H. Azarbon

دکتر قوام ملتفت *

بنت الهدی آذربون **

چکیده

رضایت از زندگی به معنای ارزیابی شناختی و آگاهانه افراد از کیفیت زندگی خود به مثابه یک کل واحد است که اساس آن بر معیارهای شخصی آنها قرار دارد. پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی رضایت از زندگی براساس الگوی ارتباطی خانواده با میانجی‌گری انگیزش مذهبی در دانشجویان انجام گرفته است. بدین‌منظور نمونه‌ای مشتمل بر ۳۵۰ دانشجو (۱۵۰ پسر و ۲۰۰ دختر) از بین دانشکده‌های (علوم تربیتی، مهندسی، علوم پایه و حقوق) دانشگاه شیراز به شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب گردید، و به مقیاس‌هایی از قبیل، مقیاس رضایت از زندگی دینر و همکاران (۱۹۸۵)، مقیاس الگوی ارتباطی خانواده ریچی و فیتزپاتریک (۱۹۹۴)، و مقیاس انگیزش موقعیتی گی، والرند و بلانچارد (۲۰۰۰) پاسخ دادند، قابلیت اعتماد و روایی مقیاس‌ها نیز محرز گردید. برای تحلیل داده‌ها از روش آماری تحلیل

*. استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه یاسوج

** دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه یاسوج

پیش‌بینی رضایت از زندگی بر اساس الگوی ارتباطی خانواده با نقش میانجی‌گری انگیزش مذهبی

مسیر استفاده شد. نتایج حاکی از آن بود که بین الگوی ارتباطی خانواده و رضایت از زندگی ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. بدین صورت که بعد گفت‌وشنود به طور مثبت و بعد هم‌نوایی به طور منفی پیش‌بینی‌کننده رضایت از زندگی بودند. همچنین نتایج نشان داد که الگوی ارتباطی خانواده بر انگیزش درونی مذهبی و بیرونی مذهبی اثر دارد. در نهایت اینکه انگیزش بیرونی نسبت به مذهب توانسته بین الگوی ارتباطی خانواده و رضایت از زندگی نقش واسطه‌ای ایفا کند. یافته‌ها با توجه به تحقیقات پیشین به بحث گذاشته و پیشنهاداتی برای انجام پژوهش‌های بیشتر در این زمینه مطرح شده است.

واژه-کلیدها: رضایت از زندگی، گفت و شنود، هم‌نوایی، انگیزش درونی مذهبی و انگیزش بیرونی مذهبی.

Abstract

Life satisfaction refers to individuals' global evaluation of their own lives. The purpose of this study was to investigate relationship between family communication pattern and life satisfaction with mediator role of religion Motivation. For this reason, 350 students (150 males and 200 females) from Shiraz university were chosen with multistage random cluster sampling method. The participants responded to the following scales: Life satisfaction scale, (Diener, Emmons, Larsen & Griffin, 1985), family communication pattern scale, (Fitzpatrick & Ritchie, 1999) and Situational motivational scale, (Gay, Vallerand & Blanchard, 2000). Reliability and validity of the measures were approved by Cronbach alpha and factor analysis. Multiple regression and path analysis were used to test the hypothesis.

The results by path analysis technique showed that the relationship between family communication pattern and Life of satisfaction was positive direct and significant. That conversational communication pattern can predict life of satisfaction positively. And conformity communication pattern can predict life of satisfaction negatively. In addition, the results showed that family communication pattern had an influence on intrinsic religion motivation and extrinsic religion motivation.

In sum, the results showed that religion motivation could have a mediator role in family communication pattern and life of satisfaction. The implications of results were discussed in relation to the pervious literature. Suggestions for future researches, educational practice and limitation of this study were also discussed.

Keywords: life satisfaction, dialogue conformity, intrinsic religion motivation, extrinsic religion motivation.

Contact information: moltafet@yu.ac.ir

مقدمه

در اواخر سده بیستم به‌خصوص از زمانی که سلیگمن ریاست انجمن روانشناسی امریکا را بر عهده گرفت، به‌جای تأکید بر جنبه‌های منفی وجودی انسان مانند اضطراب و افسردگی به توانمندی‌ها و نقاط قوت روانشناختی افراد پرداخته شد، که این حرکت را جنبش روانشناسی مثبت‌گرا نامیدند، در واقع «روانشناسی مثبت^۱» به جای تأکید بر جنبه‌های منفی زندگی، به شناخت و ارتقای وجوه مثبت و نقاط قوت انسان می‌پردازد (هریس و استاندارد^۲، ۲۰۰۱). روانشناسی مثبت‌گرا، طیف وسیعی از شاخص‌های بهداشت روانی، از جمله بهزیستی، امید، تاب‌آوری و رضایت از زندگی را مورد مطالعه قرار می‌دهند. مراد از رضایت از زندگی، بازخورد فرد، ارزیابی عمومی نسبت به کلیت زندگی خود و یا برخی از جنبه‌های زندگی، همچون زندگی خانوادگی و تجربه آموزشی است (دینر^۳، سان، لوکاس و اسمیت، ۱۹۹۹). رضایت از زندگی به معنای ارزیابی شناختی و آگاهانه افراد از کیفیت زندگی خود به مثابه یک کل واحد است که اساس آن بر معیارهای شخصی آنها قرار دارد (کویوما-هونکانن^۴، کاپریو^۵، هونکانن و کوسکنوو، ۲۰۰۵). واژه رضایت از زندگی دارای تعاریف و ابعاد مختلفی است، روانشناسانی همچون آرگیل^۶ (۲۰۰۱) شادکامی را ترکیبی از وجود عاطفه مثبت، عدم عاطفه منفی و رضایت از زندگی تعریف می‌کند. همانگونه که در تعریف آرگیل مشخص شده است، عواطف جنبه هیجانی و رضایت از زندگی جنبه شناختی شادی می‌باشد. رضایت از زندگی، از مؤلفه‌های بازخورد مثبت افراد نسبت به جهانی است که در آن زندگی می‌کنند. تجربه شادکامی و رضایت از زندگی هدف برتر زندگی به‌شمار می‌رود و احساس غم و

پیش‌بینی رضایت از زندگی براساس الگوی ارتباطی خانواده با نقش میانجی گری انگیزش مذهبی

ناخرسندی اغلب مانعی در راه انجام وظایف فرد شمرده می‌شوند (آناس، ۱۹۹۳، به نقل از لاگین و هیوینر، ۲۰۰۱).

رضایت از زندگی با شبکه‌ای از متغیرهای روانشناختی از جمله، عاطفه مثبت، حرمت خود و خوش‌بینی (لوکاس، دینر و سو، ۱۹۹۶)، تعامل اجتماعی (گیسون، ۱۹۸۶)، عوامل شخصیتی (امونس و دینر، ۱۹۸۵)، سطح درآمد، طبقه اجتماعی (جورج، ۱۹۸۱)، مذهب و سلامت روانی (ویلیتس و کرایدر، ۱۹۸۸) مرتبط است (کشاورز، مهرابی و سلطانی‌زاده، ۱۳۸۸).

عوامل گوناگونی بر رضایت از زندگی اثر می‌گذارد. یکی از این عوامل مهم و اثرگذار نوع رابطه و تعاملات در خانواده است. خانواده همواره به‌عنوان مهمترین سیستم انسانی مورد توجه قرار داشته و تحقیقات حاکی از آن است که خانواده بر تمام رفتارهای فرد از جمله حیطه رفتارهای ارتباطی تأثیر دارد (فیتزپاتریک و ریچی^۷، ۱۹۹۴؛ ۱۹۸۱؛ ریچی و فیتزپاتریک، ۱۹۹۰؛ به‌نقل از کوئرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲). اسکینر، جانسون و اسنایدر (۲۰۰۵)، خانواده را سیستمی تعریف می‌کنند که اعضای آن به‌طور مداوم در حال تعریف و تعریف مجدد ماهیت روابط خود بر مبنای الگوی ارتباطاتشان هستند. الگوهای ارتباطات خانوادگی متمایز از یکدیگر هستند. شناخت این الگوها به شناخت بعضی از جنبه‌های عملکرد خانواده کمک می‌کند. در واقع، شناخت انواع مختلف الگوها و سبک‌های ارتباطات خانوادگی علاوه بر توصیف، به پیش‌بینی و توضیح عملکرد خانواده و توصیه‌ها و تجویزهای مربوط به آن هم کمک می‌کند (کورشنیا، ۱۳۸۵).

یکی از مدل‌های مطرح در خانواده که به تعاملات در خانواده و نقش آن در سازگاری مؤثر با محیط پرداخته است مدل الگوی ارتباطی خانواده است. اصولاً مفهوم الگوی ارتباطی خانواده یا طرحواره‌های ارتباط خانواده، ساختار علمی از دنیای ظاهری خانواده است که براساس ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر و اینکه اعضا چه چیز به یکدیگر می‌گویند و چه کار انجام می‌دهند و اینکه چه معنایی از این ارتباطات دارند، تعریف می‌شود (فیتزپاتریکو کوئرنر، ۲۰۰۴). فیتزپاتریک و ریچی (۱۹۹۴) دو مفهوم جهت‌گیری گفت‌و شنود و همنوایی را دو بُعد کلیدی تعیین‌کننده چگونگی ارتباط اعضای خانواده در این نظریه معرفی می‌کنند. بُعد همنوایی

پیش‌بینی رضایت از زندگی بر اساس الگوی ارتباطی خانواده با نقش میانجی گری انگیزش مذهبی

مصدق و درجه‌ای از الگوی ارتباطی خانوادگی است که بر اعضاء در جهت یکسان کردن نگرش، ارزش‌ها و عقاید، فشار می‌آورد. بعد مهم دیگر در این الگو بعد گفت و شنود است که به درجه و مصداقی که خانواده، فضایی آزاد و راحتی را برای شرکت اعضاء خانواده در موضوعات مختلف ایجاد می‌کنند، اشاره دارد.

یکی دیگر از عوامل مهم و اثرگذار بر رضایت از زندگی که تحت تأثیر خانواده و الگوی ارتباطی آن می‌باشد دینداری یا جهت‌گیری مذهبی می‌باشد. به عقیده اریکسون (۱۹۷۵) والدین با تأثیرگذاری خود در اولین مرحله رشد «من» یعنی مرحله «ایجاد اعتماد در برابر بی‌اعتمادی» تأثیر مستقیم دارند. وی معتقد است که «اعتماد» در کودکی پایه و اساس‌آور در بزرگسالی است. باور به عنوان یک نیاز حیاتی، انسان را به سوی پذیرش دین سوق می‌دهد. پس هر گونه ضعف در سبک رفتاری و تربیتی والدین نسبت به فرزندانشان، موجب ایجاد حس بی‌اعتمادی شده و از نظر اریکسون ایجاد اعتماد یا بی‌اعتمادی در کودکان تأثیر مستقیم بر شیوه دینداری و سبک جهت‌گیری مذهبی آنان در آینده دارد.

انگیزش مذهبی دلایل ابزاری و غیرابزاری است که افراد در اعتقادات، باورها و اعمال مذهبی خود بیان می‌کنند، (آلپورت، ۱۹۶۷). از دیدگاه آلپورت جهت‌گیری مذهبی یا انگیزش مذهبی به دو صورت «درونی»^۸ و «بیرونی»^۹ می‌باشد. در جهت‌گیری مذهبی درونی، مذهب و اعتقاد به آن به خودی خود به‌عنوان یک ارزش متعالی تلقی می‌گردد و یک تعهد انگیزش فراگیر، نه وسیله‌ای، برای دستیابی به اهداف در نظر گرفته می‌شود. اما در جهت‌گیری مذهبی بیرونی، مذهب امری بیرونی و ابزاری برای ارضای نیازهای فردی از قبیل مقام و امنیت مورد استفاده قرار می‌گیرد، به‌عبارت دیگر دین‌داری برای کسب امنیت و پایگاه اجتماعی است و افرادی که چنین جهت‌گیری دارند از دین به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به حاجات خود استفاده می‌کنند (ملفت، ۲۰۱۰). علاوه بر جهت‌گیری درونی و بیرونی با مطرح شدن نظریه خود تعینی که انگیزش را پیوستاری از بی‌انگیزشی تا انگیزش درونی می‌داند به معرفی دو طیف دیگر انگیزش مذهبی تحت عنوان جهت‌گیری درون‌فکنی شده و همانندسازی شده می‌پردازد که در ذیل به آن اشاره شده است. ۱- سبک جهت‌گیری درون‌فکنی شده: به معنای

پیش‌بینی رضایت از زندگی براساس الگوی ارتباطی خانواده با نقش میانجی‌گری انگیزش مذهبی

درونی شدن منبع انگیزش بیرونی براساس فشارهای درونی، مانند احساس گناه و اضطراب و تهدید خودپنداره. در واقع سبک تنظیمی همان اصطلاح وجدان در درون انسان است که هرگاه خطایی مخالف قوانین بیرونی وضع شده، صورت می‌گیرد، در انسان احساس گناه یا عذاب وجدان یا اضطراب به وجود می‌آید (ریان، ریگی و کینگ^۱، ۱۹۹۳).

۲- سبک جهت‌گیری همانندسازی شده: در این سبک، رفتارها براساس ارزشها و اهداف فردی درون‌سازی شده صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر در این شیوه تنظیمی دیگر احساس گناه ناشی از رفتار بیرونی، رفتار را تحریک نمی‌کند، بلکه انسان براساس عقاید و باورهای خود، که به آن دست‌یافته عمل می‌کند. در ارتباط با اثر خانواده یا عوامل بافتی و همچنین جهت‌گیری مذهبی بر رضایت از زندگی یا شاخص سلامت پژوهش‌های زیادی انجام گرفته، که با نمونه‌هایی از آنها در ذیل اشاره شده است، از جمله ریان و دسی (۲۰۰۸)، در پژوهش خود نشان داد خانواده اثر بیشتری نسبت به همسالان در رضایت از زندگی افراد دارند.

چیرکوف و ریان (۲۰۰۱) در پژوهشی که در ارتباط با نقش والدین در پیشرفت و بهزیستی نوجوانان انجام دادند، دریافتند که والدینی که در فعالیت فرزندان مشارکت دارند موجب ایجاد دموکراسی، انگیزش بالا، کسب نمره‌های بالاتر و بهزیستی بیشتر در دانش‌آموزان می‌شوند.

لسکو، زولکه، استنک^{۱۱} و ریان (۲۰۰۴) به بررسی نقش فشارهای محیط بیرون و بازخورد بر خودپیروی و تأثیر این دو بر بهزیستی پرداختند. نتایج آنها حاکی از این بود که فشارهای بیرونی با خودپیروی و بهزیستی رابطه منفی دارند. از طرف دیگر فراهم کردن بازخورد و ارتباط مثبت سهم معنادار مثبتی در پیش‌بینی شایستگی و بهزیستی و خودپیروی دارد.

ملتفت و خیر (۱۳۹۱)، در پژوهشی که در ارتباط با تعیین رابطه ادراک از والدین با بهزیستی روانشناختی در دانش‌آموزان انجام دادند، دریافتند که سبک کنترلی والدین به صورت منفی تمام مؤلفه‌های بهزیستی روانشناختی را پیش‌بینی می‌کند. همچنین (کایدخورد، ملتفت و چین‌آوه، ۲۰۱۴؛ بخشی‌پور، ۱۳۸۴؛ آرسلان، ۲۰۰۹؛ شلدون و بتنکورت، ۲۰۰۲ و سپهری و مظاهری ۱۳۸۸)، نشان داده‌اند که بعد گفت‌وگوشنود با جنبه‌های مثبت از جمله بهزیستی و تاب‌آوری رابطه دارد.

پیش‌بینی رضایت از زندگی براساس الگوی ارتباطی خانواده با نقش میانجی‌گری انگیزش مذهبی

خلیلی‌فر و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهش خود نشان داده‌اند که، جهت‌گیری مذهبی نقش واسطه‌ای معنادار بین سبک فرزندپروری و معنا در زندگی ایفا می‌کند.

پژوهش‌های دیگری نیز نشان داده‌اند که بین انگیزش مذهبی و پیامدهای مثبت وجود انسان از جمله بهزیستی، شادی و رضایت از زندگی رابطه وجود دارد، از جمله (مالتبی^۲، ۱۹۹۹؛ ملتفت، مزیدی و ساداتی، ۲۰۱۰؛ مایر و دینر، ۱۹۹۸؛ الیسون و فان، ۲۰۰۸)، نشان دادند که انگیزش مذهبی با سلامت روانی، بهزیستی روانشناختی و رضایت از زندگی رابطه دارد.

در مجموع از نگاه پژوهشگران نظریه خودتعیینی محیط و انگیزش به‌عنوان تسهیل‌گر عملکرد بهینه انسان شناخته شده استریان و دسی، ۲۰۰۰؛ دسی و ریان، ۱۹۸۵؛ نایمیک، لانچ و وانس‌تینکست، ۲۰۰۶). شایان ذکر است که رضایت از زندگی را نیز می‌توان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های عملکرد بهینه دانست.

لذا پژوهش حاضر با توجه به نتایج تحقیقات قبلی و نظریه خودتعیینی که بیان می‌کند عملکرد بهینه تابعی از شرایط بافتی و انگیزش افراد است؛ درصدد آن است که شکاف تحقیقات موجود را پر کند و برای اولین بار به بررسی رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده را با رضایت از زندگی به واسطه انگیزش مذهبی مورد کنکاش قرار دهد. چیدمان این متغیرها برای اولین بار است که خود یکی از سهم‌های عمده نظری در پژوهش حاضر است. همچنین پژوهش در این زمینه به‌منظور روشن شدن مکانیسم این ارتباط و تقویت بدنه دانش مربوطه و (براساس نتایج) رسیدن به راهکارهای عملی، ضروری به نظر می‌رسد.

روش

جامعه، نمونه و روش اجرای پژوهش: جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه شیراز تشکیل می‌داد که با استفاده از جدول مورگان در مجموع ۳۸۵ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای، به‌عنوان گروه نمونه مورد بررسی قرار گرفتند. روش نمونه‌گیری بدین صورت بود که ابتدا از بین دانشکده‌های دانشگاه شیراز، چهار دانشکده (علوم تربیتی، مهندسی، علوم پایه و حقوق) به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. سپس از

پیش‌بینی رضایت از زندگی براساس الگوی ارتباطی خانواده با نقش میانجی گری انگیزش مذهبی

بین دانشکده‌های انتخاب شده، ۲ کلاس به صورت تصادفی انتخاب شدند. یعنی در مجموع ۸ کلاس به‌عنوان گروه نمونه انتخاب شد و همه اعضای کلاس به‌عنوان گروه نمونه انتخاب شدند.

۳۵ پرسشنامه به دلیل ناقص بودن کنار گذاشته شد. بنابراین در مجموع ۳۵۰ نفر (۱۵۰ نفر پسر و ۲۰۰ نفر دختر) به‌عنوان نمونه آماری در پژوهش حاضر شرکت داشتند.

ابزارهای پژوهش: در پژوهش حاضر به‌منظور گردآوری اطلاعات موردنیاز، از مقیاس‌های رضایت از زندگی دینر، الگوی ارتباطی خانواده و مقیاس انگیزش موقعیتی استفاده شد، که در ادامه به توصیف هر یک از این ابزارها پرداخته شده است.

الف- مقیاس رضایت از زندگی دینر^{۱۳} (SWLS): مقیاس رضایت از زندگی یک مقیاس پنج‌گویه‌ای است که توسط دینر و دیگران (۱۹۸۵) ایجاد شده و هر گویه روی طیف لیکرتی هفت‌درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۷) نمره‌گذاری می‌شود به طوری که دامنه احتمالی نمره‌ها روی پرسشنامه می‌تواند از ۵ (رضایت پایین) تا ۳۵ (رضایت بالا) در نوسان باشد. دینر و همکاران (۱۹۸۵) ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را ۰/۸۷ و ضریب قابلیت اعتماد بازآزمایی آن را ۰/۸۲ گزارش کردند. پاوت و همکاران (۱۹۹۸) علاوه بر اینکه برای این پرسشنامه روایی همگرایی مطلوب نشان دادند، پیشنهاد کردند این مقیاس هنوز هم از بسیاری از سازه‌ها مانند افسردگی، عاطفه مثبت و منفی، حرمت خود، برونگرایی، روان‌نژندگرایی، اضطراب، شادکامی و آشفتگی‌های روان‌شناختی قابل تفکیک می‌باشد. در پژوهش حاضر قابلیت اعتماد این پرسشنامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۴ به دست آمد و روایی آن نیز از طریق محاسبه همبستگی نمره هر گویه با نمره کل مقیاس بررسی شد که دامنه ضرایب بین ۰/۶۳ تا ۰/۸۳ به دست آمد که همه ضرایب در سطح ۰/۰۱ معنادار بودند.

ب- مقیاس تجدید نظر شده الگوی ارتباطی خانواده^{۱۴} (RVFCPQ): به‌منظور بررسی ابعاد الگوی ارتباطی خانواده یعنی بُعد جهت‌گیری گفت و شنود و بُعد همنوایی از ابزار تجدیدنظر شده الگوی ارتباطی خانواده که توسط ریچی و فیتزپاتریک در سال ۱۹۹۴، که برای این منظور تهیه شده، استفاده شد. این ابزار یک پرسشنامه خودگزارشی است که میزان موافقت یا عدم

پیش‌بینی رضایت از زندگی بر اساس الگوی ارتباطی خانواده با نقش میانجی گری انگیزش مذهبی

موافقت پاسخ دهنده را با ۲۶ گزاره که درباره وضعیت ارتباطات خانواده هستند، در دامنه ۵ درجه‌ای مورد سؤال قرار می‌دهند. ۱۵ گزاره اول مربوط به بعد جهت‌گیری گفت و شنود و ۱۱ گزاره بعدی مربوط به جهت‌گیری همنوایی است. در پژوهش‌هایی که در ایران به‌وسیله کورش‌نیا (۱۳۸۵) و کشتکاران، (۱۳۸۷) صورت گرفته است روایی این پرسشنامه با استفاده از تحلیل عاملی مورد تأیید قرار گرفت. کورش‌نیا (۱۳۸۵) قابلیت اعتماد (ضریب آلفای کرونباخ) این مقیاس را ۰/۸۷٪ برای بعد جهت‌گیری گفت‌وشنود و ۰/۸۱٪ برای بعد جهت‌گیری همنوایی گزارش کرده است. در پژوهش حاضر جهت تعیین روایی مقیاس الگوی ارتباطی خانواده روش تحلیل عوامل محاسبه گردید. ساختار عاملی مقیاس الگوی ارتباطی خانواده با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس بدست آمد. دو شاخص KMO و آزمون کرویت بارتلت محاسبه شد. مقدار KMO برابر ۰/۹۳٪ و مقدار خی دو معنادار بود ($P < ۰/۰۰۱$). که این مسأله بیانگر کفایت نمونه‌برداری و قابل توجه بودن تحلیل عاملی بود. نتایج حاکی از دو عامل بود که دامنه بار عاملی از ۰/۵۷٪ تا ۰/۷۴٪ بود و دو عامل در مجموع ۰/۶۰٪ واریانس را تبیین می‌کرد. که این مسأله بیانگر روایی مقیاس مذکور است. برای قابلیت اعتماد نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید که برای گفت و شنود ۰/۹۲٪ و برای بعد همنوایی ضریب ۰/۸۸٪ به‌دست آمد.

ج- مقیاس انگیزش موقعیتی^{۱۵} (SIMS): برای ارزیابی انگیزش مذهبی دانشجویان، از مقیاس خودگزارشی گی، والرند و بلانچارد (۲۰۰۰)، که براساس نظریه دسی و ریان تنظیم شده، استفاده شد. این مقیاس دارای ۱۵ سؤال است که آزمودنی‌ها پاسخ‌های خود را در اندازه ۵ درجه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم مشخص می‌کردند. نام دقیق این پرسشنامه انگیزشی موقعیتی است که می‌تواند برای هر موقعیت و حالتی استفاده شود. در پژوهش حاضر مقیاس برای انگیزش مذهبی استفاده می‌شود که در ابتدای پرسشنامه سؤالی بدین صورت مطرح گردید. چرا شما در امر مذهب کوشا هستید؟ پاسخ‌های آزمودنی‌ها به این سؤال در چهار مؤلفه اصلی (بی‌انگیزشی، تنظیم بیرونی، تنظیم همانندشده و انگیزش درونی) مورد اندازه‌گیری قرار گرفت.

برای بررسی روایی و قابلیت اعتماد این آزمون، ۵ مطالعه به‌صورت جداگانه توسط گی و

پیش‌بینی رضایت از زندگی براساس الگوی ارتباطی خانواده با نقش میانجی‌گری انگیزش مذهبی

همکاران (۲۰۰۰)، انجام شده که در هر پنج مطالعه به این نتیجه رسیدند که ضرایب قابلیت اعتماد مقیاس مذکور با استفاده از آلفای کرونباخ بین ۰/۷۷ تا ۰/۹۵ می‌باشد، در پژوهش حاضر جهت تعیین روایی از روش تحلیل عوامل استفاده شد. ساختار عاملی مقیاس انگیزش با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس به دست آمد. جهت انجام تحلیل عاملی از کل نمونه آماری (۳۵۰ نفر) استفاده شد. دو شاخص KMO و آزمون کرویت بارتلت محاسبه شد. مقدار KMO برابر ۰/۹۲ و مقدار خی دو معنادار بود ($P < ۰/۰۱$). نتایج حاکی از دو عامل کلی بود که ۶۱ درصد واریانس را تبیین می‌کرد، و با توجه به گویه‌ها دو عامل به عنوان انگیزش درونی نسبت به مذهب و انگیزش بیرونی نسبت به مذهب نامگذاری گردید. دامنه بار عاملی از ۰/۶۲ تا ۰/۸۳ بود که این مسأله حاکی از روایی مقیاس مذکور است. برای محاسبه قابلیت اعتماد نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید، که برای انگیزش درونی نسبت به مذهب ضریب ۰/۸۲ و برای انگیزش بیرونی نسبت به مذهب ضریب ۰/۹۲ بدست آمد که این مسأله نیز نشانگر قابلیت اعتماد مقیاس مذکور است.

داده‌ها یافته‌ها

در جدول زیر شاخص‌های توصیفی مربوط به نمونه مورد بررسی گزارش شده است. دو آماره چولگی و کشیدگی نشان می‌دهد که شکل توزیع داده‌ها در هر متغیر نرمال می‌باشد.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
رضایت از زندگی	۲۰/۵۲	۷/۰۳	۰/۱۵	۰/۰۶۱
گفت‌وشنود	۴۸/۶۹	۱۱/۰۹	۰/۴۷۳	۰/۱۱
همنوایی	۲۹/۰۱	۸/۵۸	۰/۰۸	۰/۳۸
نظم‌جویی درونی نسبت به مذهب	۳۶/۷۵	۸/۸۲	-۰/۰۴۰	-۰/۱۷
نظم‌جویی بیرونی نسبت به مذهب	۹/۷۳	۴/۱۳	-۰/۴۲	-۰/۵

ماتریس همبستگی متغیرها: با توجه به این امر که ماتریس همبستگی مبنای تجزیه و تحلیل رگرسیون و مدل‌های علی است، ماتریس همبستگی متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش همراه با ضرایب همبستگی و سطح معناداری آنها در جدول شماره (۲) آورده شده است.

پیش‌بینی رضایت از زندگی بر اساس الگوی ارتباطی خانواده با نقش میانجی گری انگیزش مذهبی

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴
۱- رضایت از زندگی	۱			
۲- گفت و شنود	* ۰/۴۲	۱		
۳- همنوایی	* -۰/۳۰	* -۰/۴۵	۱	
۴- انگیزش درونی نسبت به مذهب	**** ۰/۱۱	* ۰/۲۰	* -۰/۱۵	۱
۵- انگیزش برونی نسبت به مذهب	** -۰/۲۲	* -۰/۱۶	** ۰/۲۰	* -۰/۳۴

$P < ۰/۰۱^*$

همان‌طور که در جدول شماره (۲) مشاهده می‌شود انگیزش برونی نسبت به مذهب و همنوایی به ترتیب با ضرایب $-۰/۲۲$ ، $-۰/۳۰$ به صورت منفی با رضایت از زندگی رابطه معنادار دارد. و متغیرهای گفت و شنود و انگیزش درونی نسبت به مذهب به ترتیب با ضرایب $۰/۴۲$ ، $۰/۱۱$ به صورت مثبت با رضایت از زندگی رابطه معنادار دارد. سایر همبستگی‌ها در جدول آمده است. با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای انگیزش مذهبی در رابطه بین الگوی ارتباطی خانواده و رضایت از زندگی می‌باشد، در جدول شماره (۳) ضرایب مستقیم، غیر مستقیم و کل متغیرهای پژوهش همراه با سطح معناداری آنها آورده شده است.

جدول ۳: اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای پژوهش بر یکدیگر

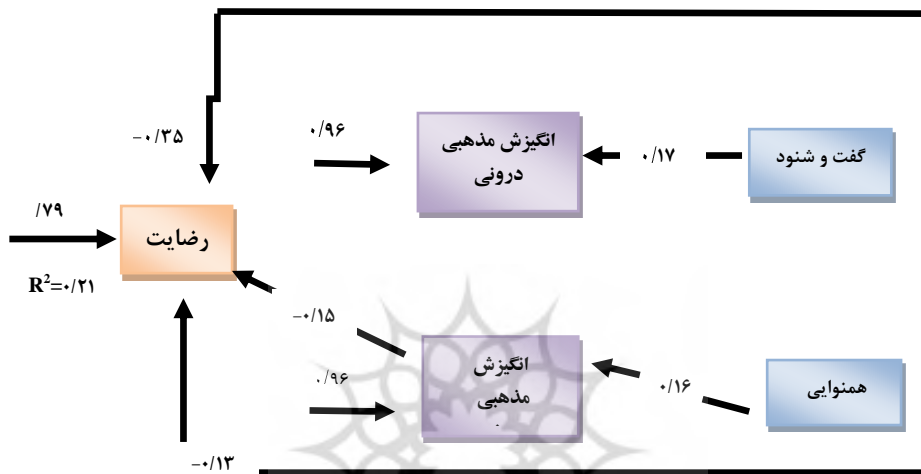
مسیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	واریانس تبیین شده
به روی رضایت از زندگی				
گفت و شنود	* ۰/۳۵	۰/۰۵	۰/۴۰	۰/۲۱
همنوایی	* -۰/۱۳	۰/۰۳	-۰/۱۰	
انگیزش درونی مذهبی	۰/۰۷	--	--	
انگیزش برونی مذهبی	* -۰/۱۵	--	-۰/۱۵	

$P < ۰/۰۱^*$

همان‌طور که در نتایج جدول شماره (۳) نشان می‌دهد، گفت و شنود به صورت مثبت با بتای $۰/۳۵$ و همنوایی و انگیزش برونی نسبت به مذهب به ترتیب با بتای $-۰/۱۳$ ، $-۰/۱۵$ به صورت منفی اثر مستقیم بر رضایت از زندگی دارد. همچنین اثر کل گفت و شنود بر رضایت از زندگی

پیش‌بینی رضایت از زندگی بر اساس الگوی ارتباطی خانواده با نقش میانجی گری انگیزش مذهبی

۰/۴۰ در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنادار است. اثر غیر مستقیم هم‌نمایی ۰/۰۳ می‌باشد. در ضمن میزان واریانس تبیین شده رضایت از زندگی در مدل ۰/۲۱ می‌باشد. در این راستا، شکل شماره (۱) مدل نهایی را نشان می‌دهد.



شکل ۱: مدل اصلاح شده اثر الگوی ارتباطی خانواده بر رضایت از زندگی با نقش میانجی گری انگیزش مذهبی

لازم به ذکر است شاخص‌های $RMSEA^{۱۶}$ و $GFI^{۱۷}$ و میزان تناسب را نشان می‌دهد که شاخص $RMSEA$ هر چه نزدیک به صفر باشد نشانگر برازش بهتر مدل است و سایر شاخص‌ها اگر بالای ۰/۹۰ باشد نشانگر برازش بهتر مدل دارد. در جدول شماره (۴) شاخص‌های برازش مدل آورده شده است.

جدول ۴: مشخصه‌های برازش مدل

RMSEA	GFI	NFI	CFI
۰/۰۵	۰/۹۲	۰/۹۲	۰/۹۱

باتوجه به مشخصه‌های نکویی برازش که در جدول شماره (۴) گزارش شده مدل مذکور از سطح برازش نسبتاً خوبی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه میان الگوی ارتباطی خانواده و رضایت از زندگی با توجه به نقش میانجی‌گری انگیزش مذهبی انجام گرفته است. برای نیل به این هدف با توجه به پیشینه نظری و تجربی متغیرهای مورد پژوهش یک مدل مفهومی پیشنهاد و با استفاده از روش تحلیل مسیر مورد آزمون قرار گرفت. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که مدل پیشنهادی با داده‌های این تحقیق برازش نسبتاً خوبی دارد و توانسته است ۲۱ درصد از واریانس رضایت از زندگی را تبیین کند. بدین صورت که گفت و شنود به صورت مثبت و هم‌نوایی و انگیزش برونی مذهبی به صورت منفی سهم معنادار در پیش‌بینی رضایت از زندگی داشتند. همچنین متغیرهای برون‌زاد علاوه بر اثر مستقیم دارای اثر غیرمستقیم نیز بودند. نتایج حاکی از آن بود که انگیزش مذهبی توانسته است نقش واسطه‌ای مناسب را ایفا نماید. اما از بین بعدها انگیزش مذهبی، تنها انگیزش برونی مذهبی با رضایت از زندگی رابطه منفی معنادار نشان داد.

هر چند پژوهشی در زمینه تدوین مدل ساختاری براساس این متغیرها با رضایت از زندگی در حد بررسی‌های انجام شده برای این موضوع، صورت نگرفته است، اما تأثیر هر یک از متغیرها به صورت مجزا به نوعی به صورت مستقیم و غیرمستقیم مورد مطالعه قرار گرفته و کارایی آنها در افزایش رضایت از زندگی افراد بررسی شده است. از این جهت یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش (دسی و ریان، ۱۹۸۵؛ ریان و دسی، ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸؛ ویلیتس و کرایدر، ۱۹۸۸؛ من، ۱۹۹۱؛ لوکاس، دینر و سو، ۱۹۹۶؛ اسپیلکا و دیگران، ۱۹۹۹؛ ریان و دسی، ۲۰۰۰؛ دسی و ریان، ۲۰۰۰؛ چیرکوف و ریان، ۲۰۰۱؛ لسکو، زولکه، استنک و ریان، ۲۰۰۴؛ فیتزپاتریک و کوئرر، ۲۰۰۴، ۲۰۰۲؛ نایمیک، لانچ و وانس‌تینکست، ۲۰۰۶؛ نایمیک و همکاران، ۲۰۰۶؛ مهبیوری و سینک، ۲۰۰۹؛ آرسلان، ۲۰۰۹؛ ملتفت و همکاران، ۲۰۱۰؛ ملتفت و خیر، ۱۳۹۱؛ ملتفت و ساداتی، ۱۳۹۳؛ خلیلی‌فر و همکاران، ۱۳۹۳؛ بخشی‌پور و همکاران، ۱۳۸۴؛ سپهری و مظاهری، ۱۳۸۸؛ واحدی و غنی‌زاده، ۱۳۸۸؛ رضضانی، نوایی‌نژاد و بواله‌ری، ۱۳۷۶) همسو است. چرا که این پژوهشگران نیز نشان داده‌اند، که الگوی ارتباطی خانواده تأثیرات قابل توجهی بر همه ابعاد تفکر، بازخورد و شخصیت افراد دارد، که از جمله آنها بازخورد نسبت مذهب و رضایت از زندگی است. در مجموع از نگاه خودتعیینی، زمانی که

والدین از روش‌های کنترلی در ارتباط با فرزندپروری استفاده می‌کنند، ارضای نیازهای شایستگی و خودپیروی در فرزندان آسیب می‌بیند و منجر به اکتساب پیامدهای منفی می‌شود. ولی زمانی که روابط والدین با فرزندان بر مبنای حمایت از رفتارهای مستقلانه و مشارکت در دانش‌آموزان باشد، ارضای نیازهای اساسی تسهیل می‌شود و منجر به سازگاری روانی و بهزیستی در افراد می‌شود (ریان و دسی، ۲۰۰۰؛ دسی و ریان، ۱۹۸۵؛ نایمیک، لانچ و وانس‌تینکست، ۲۰۰۶). به همین جهت رابطه مثبت گفت و شنود بر رضایت و رابطه منفی هم‌نواپی بر رضایت قابل توجه است چرا که هم‌نواپی نوعی سبک کنترلی است که تحقیقات نشان‌دهنده سبک کنترلی اثر منفی بر پیامدهای مثبت وجودی انسان از جمله شادی، امید، بهزیستی و رضایت از زندگی دارد. در توجه رابطه منفی انگیزش بیرونی نسبت به مذهب با رضایت از زندگی می‌توان بیان نمود که، کسانی که دین را در جهت رفع نیازهای اجتماعی خود می‌خواهند و به اصل آن توجه ندارند، از سلامت روانی پایینی برخوردارند. به عبارت دیگر، افراد با انگیزش درونی باورهای مذهبی‌شان را درونی می‌کنند، در حالی که افرادی با انگیزش بیرونی رویکرد منفعت‌طلبی را برمی‌گزینند. مالتبی، لوئیس و دی، (۱۹۹۹)، در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که همبستگی‌های مثبتی بین جهت‌گیری درونی مذهبی و بهزیستی روانشناختی وجود دارد. هر چند که در ادبیات پژوهش همان‌طور که ذکر شد این چنین به نظر می‌رسد که انگیزش درونی مذهبی بر رضایت از زندگی تأثیر مثبت و معنادار دارد، در پژوهش حاضر از نتایج تحلیل رگرسیون به روش بارون و کنی این رابطه مشاهده نگردید. در تبیین این ناهماهنگی می‌توان به سن آزمودنی‌ها و جوان بودن آنها اشاره کرد، چرا که این افراد در حال شکل‌گیری هویت خود هستند و شاید هنوز به یک هویت اکتساب شده دست پیدا نکرده‌اند. به نظر آگان و دیگران (۲۰۰۴) اغلب تحقیقات در این زمینه، نقش سن را نادیده گرفته‌اند، به همین دلیل آنها به نقش متغیرهای دموگرافیک در مطالعه رابطه بین مذهب و دیگر متغیرها تأکید دارند.

با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌گردد که دوره‌هایی در جهت آگاهی دادن به مشاوران در مورد عواملی که در رضایت از زندگی دخالت دارند، برگزار گردد. زیرا این دوره‌ها می‌تواند آنها را در درمان روانشناختی بسیاری از مشکلات توانمندتر از قبل سازد. از

جمله اینکه والدین می‌توانند با تأکید بر ارتباط مثبت خانوادگی، مانند گفت و شنود، اجازه آزادانه تفکر، آزادی بیان، تشویق به تفکر مستقل، تأیید شایستگی، اجازه مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، زمینه تجربه کردن پیامدهای مطلوب از جمله رضایت از زندگی را برای فرزندان فراهم کنند. همچنین بایستی به مقوله گفت و شنود تأکید بیشتری شود و خانواده‌ها را تشویق کرد که در خانه فضای گفت و شنود را فراهم کنند که این مسأله بر انگیزش مذهبی و رضایت از زندگی اثر دارد، به علاوه پیشنهاد می‌شود که دوره‌هایی برگزار شود که اهمیت مذهب و بازخورد مذهبی و تأثیر آموزه‌های مذهبی بر روی رضایت از زندگی افراد را برای دانشجویان و والدین توضیح دهند و تبیین انگیزش مذهبی کارآمد، می‌تواند بازخورد افراد نسبت به این موضوع مهم در زندگی را تغییر دهد و در صورت مشاهده علائم انگیزش مذهبی ناکارآمد برای اصلاح آن اقدام کنند. علاوه بر این با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان کارگاهی در زمینه برقراری ارتباط مؤثر با فرزندان برای خانواده‌ها برگزار کرد و در آن درباره اهمیت گفت و شنود و ارتباط مؤثر اطلاعات زیادی در اختیار والدین قرار داد. در نهایت اینکه پژوهش در جامعه اسلامی و بر نمونه‌های مسلمان اجرا شده است، بدیهی است که نتایج آن را نمی‌توان بر همه جوامع تعمیم داد. علاوه بر آن در بررسی سن باید در پژوهش‌های آتی به دامنه وسیع‌تری از سن توجه داشت. اما علی‌رغم این نکات به این دستاورد باید تأکید داشت که بهره‌گیری از آزمون‌های مختلف و کاهش خطای احتمالی در اندازه‌های مربوط به مطالعات مذهبی می‌تواند نتایج متنوع‌تری را پدید آورد. با توجه به اهمیت سطح رضایت از زندگی افراد جامعه، پیشنهاد می‌شود که این تحقیق در جامعه‌ای بزرگتر انجام گیرد تا نتایج آن را بتوان به جامعه گسترده‌تری تعمیم داد. همچنین پیشنهاد می‌شود که پژوهش در این زمینه با تأکید بیشتر بر مذهب از طریق پژوهش کیفی انجام بگیرد.

پی‌نوشت‌ها:

- | | |
|------------------------------------|------------------------------------|
| 1- Positive psychology | 2- Harris & Standard |
| 3- Diener | 4- Koivumaa & Honkanen |
| 5- Kaprio | 6- Argyle, M. |
| 7- Fitzpatrick&Ritchie | 8- Intrinsic religious orientation |
| 9- Extrinsic religious orientation | 10- Ryan, Rigby & King |

- 11- Levesque, Zuehlke&Stanek
 12- Maltby
 13- Satisfaction With Life Scale (SWLS)
 14- Family Communication Pattern Questionnaire
 15- Situational Motivational Scale
 16- Root mean square error of approximation
 17- Goodness of fit index

منابع و مآخذ فارسی:

- بخشی‌پور، عباس. (۱۳۸۷). رابطه رضایت از زندگی، سبک مسأله‌گشایی و بازخورد مذهبی با سلامت روانی. فصلنامه علمی- پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز، سال ۳ (۹)، صص ۲۶-۹.
- بخشی‌پور و دوسری، عباس؛ پیروی، حمید؛ عابدیان، احمد. (۱۳۸۴). بررسی رابطه میان رضایت از زندگی و حمایت اجتماعی با سلامت روان در دانشجویان. فصلنامه اصول بهداشت روانی، سال ۷، شماره ۲۷ و ۲۸، صص ۱۴۵-۱۵۲.
- بیانی، علی‌اصغر؛ محمد کوچکی، عاشور؛ گودرزی، حسینه. (۱۳۸۶). اعتبار و روایی مقیاس رضایت از زندگی. فصلنامه روانشناسان ایرانی، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۲۵۹-۲۶۵.
- بدری‌گرگری، رحیم؛ فرید، ابوالفضل. (۱۳۹۱). رابطه بین جهت‌گیری مذهبی درونی و رفتارهای سلامت جسمی، روانی و معنوی و نقش واسطه‌ای ارزیابی چالش‌برانگیز بودن. راهبرد فرهنگ، شماره ۲۰، صص ۶۸-۸۲.
- سپهری، صفورا؛ مظاهری، محمدعلی. (۱۳۸۸). الگوهای ارتباطی خانواده و متغیرهای شخصیتی در دانشجویان. روانشناسی تحولی: فصلنامه روانشناسان ایرانی، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۱۴۲-۱۵۰.
- خلیلی‌فر، مینا؛ کاظمی، سلطانه‌علی؛ جاویدی، حجت‌اله. (۱۳۹۳). نقش میانجی‌گری جهت‌گیری مذهبی برای سبک‌های فرزندپروری و معنای زندگی در دانش‌آموزان پایه سوم دوره دبیرستان شهر شیراز. روش‌ها و مدل‌های روانشناختی، سال ۴، شماره ۱۵، صص ۷۳-۵۹.
- کشاوری، امیر؛ مهربانی، حسینعلی؛ سلطانی‌زاده، محمد. (۱۳۸۸). پیش‌بینی کننده‌های

پیش‌بینی رضایت از زندگی بر اساس الگوی ارتباطی خانواده با نقش میانجی گری انگیزش مذهبی

روان‌شناختی رضایت از زندگی. روانشناسی تحولی: فصلنامه روانشناسان ایرانی، سال

ششم، شماره ۲۲، صص ۱۵۹-۱۶۸.

کوروش‌نیا، مریم. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده بر میزان سازگاری

روانی فرزندان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.

رمضانی، ولی‌ا...؛ نوابی‌نژاد، شکوه؛ بواله‌ری، جعفر. (۱۳۷۶). بررسی ارتباط جهت‌گیری درونی

و بیرونی با سلامت روانی پیروان سه دین زرتشت، مسیح و اسلام. ارائه شده در اولین

همایش نقش دین در بهداشت روانی، تهران، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی

ایران، شماره ۱۲، صص ۳۳-۴۰.

ملتفت، قوام؛ خیر، محمد. (۱۳۹۱). رابطه ادراک دانش‌آموزان از سبک انگیزشی و رفتاری

والدین با بهزیستی روانشناختی در آنها. مجله روانشناسی ۶۳، سال شانزدهم، شماره ۳،

صص ۲۸۳-۲۹۸.

ملتفت، قوام؛ ساداتی، سمیه. (۱۳۹۳). ارائه مدلی برای ایستادگی دانش‌آموزان با توجه به

متغیرهای خانوادگی و میانجیگری جهت‌گیری مذهبی در دانش‌آموزان دبیرستانی.

فصلنامه علوم روانشناختی، دوره سیزدهم، شماره ۴۹، ۱۰۵-۸۸.

واحدی، شهرام؛ غنی‌زاده، سمیه. (۱۳۸۸). الگوی تحلیل مسیر روابط بین انگیزش درونی مذهبی،

نماز، بهزیستی معنوی و کیفیت زندگی با بهزیستی روانشناختی دانشجویان. فصلنامه

علمی- پژوهشی پژوهش در سلامت روانشناختی، دوره سوم، شماره دوم، صص ۲۸-۴۲.

هاشمی، زهرا. (۱۳۸۵). بررسی رابطه جهت‌گیری‌های مذهبی با ابعاد هویت و سبک‌های هویت

در بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی

تربیتی، دانشگاه شیراز.

منابع و مآخذ خارجی:

Allport, G.W. (1967). "Personal orientation and prejudice religious". *Journal of personality and social psychology*, 5, 432- 443.

Argyle, M. (2001). *The Psychology of Happiness*, London: Routledge.

Arslan, C. (2009). Anger, self-esteem, and perceived social support in

- adolescence. *Social Behavior and Personality*, 37(4), 555-564.
- Chirkov, V., Ryan, R. (2001). Parent and teacher autonomy support in Russian and u.s. adolescence common effect on well-being and academic motivation. *Journal of cross-cultural psychology*, 32(5), 618-635.
- Diener, E. (2000). Subjective well-being: The science of happiness and a proposal for a national index. *American Psychologist*, 55, 34-43.
- Diener, E. Lucas, R.E. & Oishi, S. (2002). Subjective well-being. In R.C. Snyder, & S.J. Lopez (Ed.). *Handbook of positive psychology*. Oxford: Oxford University Press.
- Diener, E.E., Sun, M., Lucas, R.E., & Smith, H.L. (1999). Subjective well being: Three decades of progress. *Psychological Bulletin*, 125, 267-302.
- Deci, E.L., & Ryan, R.M. (2000). "The "what" and "why" of Goal pursuits: Human Needs and the self-determination of Behaviour". *Psychogy Inquiry*, 11, No. 4, PP. 227-286.
- Diener, E., Emmons, R. A., Larsen, R. J., & Griffin, S. (1985). The Satisfaction with Life Scale. *Journal of Personality Assessment*, 49, 71-75.
- Egan, E.; Kroll, J.; Carey, K.; Johnson, M. & Erickson, P. (2004). Eysenck Personality Scales and Religiosity in a US Outpatient Sample. *Personality and Individual Differences*, 37, 1023-1031.
- Ellison, C.G., & Fan, D. (2008). Daily Spiritual Experiences and Psychological Well-being among US Adults. *Soc Indic Res*, 88: 247-271.
- Erikson, Erik. (1975). *Life History and the Historical Moment.*, New York: W.w.norton.
- Falsetti, S.A., Resick, P.A., & Davis, J.L. (2003). Changes in Religious Beliefs Following Trauma. *Journal of Traumatic Stress*, 16, 391-398.
- Fitzpatrick, M.A., & Koener, A.F. (2004). *Family communication schema effect on children s resiliency running head: Family communication schemata, the evolution of key mass communication concepts: Honoring Jack M. McLeod*, 115-139.
- Fitzpatrick, M.A., & Ritchie, L.D. (1994). communication schemata within the family: Multiple perspectives on family interaction. *Human Communication Research*, 20, 275-301.
- Gay, F., Vallerand, R. & Blanchard, C. (2000). On The Assessment of Situation Intrinsic and Extrinsic Motivation: The Situational Motivation Scale (SIMS). *Motivatio and Emotion*, 24.3, 173-213.
- Harris, A.H. & Standard, S. (2001) "Psychometric Properties of the Life Regard Index-Revised: A Validation Study of a Personal Measure of Personal Meaning" *Psychological Report*, 89, 759-773.
- Kayedkhordeh, H. Ghavam, M., & Ghinaveh, M. (2014). The Relationship

- between Dimension of Family Communication Pattern and Satisfying the Basic Psychology Needs in High School Student. *American Journal of Science Researches*, 2, Issue 1, PP, 19-26.
- Koerner, F.A., & Fitzpatrick, M.A. (2002). "Undrestanding family communication pattern and family functioning: The roles of conversation orientation and conformity orientation". *Communica*68.
- Koivumaa-Honkanen, H., Kaprio, J., Honkanen, R.J., Vinamaki, J., Koskenvuo, M. (2005). The stability of life satisfaction in a 15- year follow-up of adult Finnshealthy at baseline. *BMC Psychiatry*, 5, 4.
- Laughlin, J.E., & Huebner, E.S. (2001). Life experience, locus of control and school satisfaction in adolescence. *Social Indicators Research*, 55, 156-183.
- Levesque, C., Zuehlke, A.N., Stanek, L.R., & Ryan, R.M. (2004). Autonomy and competence in German and American university students: A comparative study based on self-determination theory. *Journal of Educational Psychology*, 96, 68-84.
- Maltby, J., Lewis, C.A. & Day, L. (1999). Religious orientation and psychological well-being: The role of the frequency of personal prayer. *British Journal of Health Psychology*, 4, 363-378.
- Maltby, J., McCollam, P., & Millar, D. (1994). Religiosity and Obsessionality: A Refinement. *Journal of Psychology*, 128, 609-611.
- Maltby, J., Talley, M., Cooper, C., & Leslie, J.C. (1995). Personality Effects in Personal and Public Orientation Toward Religion. *Personality and Individual Differences*, 19, 157-163.
- Maltby, J. (1999). Religious Orientation and Eysenck's Personality Dimensions: The Use of the Amended Religious Orientation Scale to examine the Relationship Between Religiosity, Psychoticism and Extraversion. *Personality and Individual Differences*, 26, 79-84.
- Maltby, J. (1995). Personality, Prayer and Church Attendance among U.S. Female Adults. *The Journal of Social Psychology*, 135, 529-531.
- Maheshwari, S. & Singh, P. (2009). Psychological well-being and pilgrimage: Religiosity, happiness and life satisfaction of Ardh-Kumbh Melapilgrims (Kalpvasis) at Prayag, India. *Asian Journal of Social Psychology*, 12, 285-292.
- Man, P. (1991). The influence of peers and parents on youth life satisfaction in hongkong. *Social Indicators Research*, 24, 347-365.
- Moltafet, G.H. Mazidi, M. Sadati, S. (2010). Personality traits, religious orientation and happiness. *Procedia Social and Behavioral Sciences* 9, PP 63-69.
- Niemiec, C.P., Lynch, M. F., Vansteenkiste, M., Bernstein, J., Deci, E.L., & Ryan, R.M. (2006). The antecedents and consequences of autonomous self

- regulation for college: A self-determination theory perspective on socialization. *Journal of Adolescence*, 29 (2006) 761-775.
- Niemiec, C.P., Lynch, M.F. & Vansteenkiste, M. (2006). The antecedents and consequence of autonomous self-regulation for college. A self-determination theory perspective on socialization. *Journal of Adolescence*, 29, 761-775.
- Pavot W., Diener E, Suh, E. (1998). The temporal satisfaction with life scale. *Journal of Personality Assessment*, 70, 340- 354.
- Ryan, R.M., & Deci, E.L. (2008). A self-determination theory approach to psychotherapy: The motivational basis for effective change. *Canadian Psychology*, 49, 186-193.
- Ryan, R.M., & Deci, E.L. (2006). Living well: A self-determination theory perspective on eudaimonia. *Journal of happiness studies*, 9, 139-170.
- Ryan, R.M., & Deci, E.L. (2000). " self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being". *American psychology*, Vol. 55, PP. 68-78.
- Ryan, R.M., Rigby, S., King, K. (1993). Two types of religious internalization and their relations to religious orientation and mental health. *Journal of personality and social psychology*, 65, 586-596.
- Sheldon, K., & Bettencourt, A.B. (2002). Psychological need-satisfaction and subjective well-being within social groups. *British Journal of Social Psychology*, 41(1), 25-38.
- Skinner, E.A., Johnson, S. & Snyder, T. (2005). Six dimensions of parenting: A motivational model. *Parenting: science and practice*, 5(2), 175-225.